

حضرت خدیجه،

اولین شیعه علی علیه السلام

==== (به مناسبت دهم رمضان، سالروز وفات حضرت خدیجه رضی الله عنها) =====

محمد عابدی

□ **خدیجه و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله** علوم انسانی و معارف اسلامی

«کانت خدیجة امرأة عاقلة شريفة مع ما اراد الله بها من الكرامة و الخير و هي يومئذ افضلهم نسباً و اعظمهم شرفاً و اكثرهم مالاً»^۱

خدیجه بانویی عاقل و شریف بود. به اضافه آنچه خداوند از بزرگواری و خیر نسبت به او اراده کرده بود و او آن روز برترین در نسب و بزرگ‌ترین در شرف و

ثروتمندترین زنان در زمان خود بود. حضرت خدیجه رضی الله عنها دختر خویلد - که ۶۸ سال پیش از هجرت در قریش متولد شده بود - بانویی پرهیزکار و پاکدامن بود. چنان‌که به طاهره^۲ مشهور شد، او به دلیل استعداد قوی خود، یکی از ثروتمندترین افراد قریش بود. با این همه، همواره بخشی از اوقات خود را در محضر علمای بزرگ و کسب

دانش از آنان می‌گذراند. در همین نشست‌های علمی بود که متوجه شد، به زودی پیامبری ظهور خواهد کرد.^۴ با روی دادن اتفاقی چند، سرانجام پیامبر خاتم را شناخت و به تقاضای خود با وی ازدواج کرد. این رویداد بزرگ در حدود ۲۸ سال قبل از هجرت روی داد^۵ و از آن پس خدیجه عمر خود را به همدلی، همسری، همرازی و همراهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گذراند.

□ علی و محمد نور واحد

بنابر نظر مشهور امیر مؤمنان علی علیه السلام در سیزدهم رجب سی سال پس از عام الفیل در میان خانه کعبه متولد شد و در آن وقت پیامبر صلی الله علیه و آله بیست و هشت ساله بود.^۶ در روایات معتبر می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله تبارک و تعالی خلق علیاً من نوری و خلقنی من نوره و کلاًنا من نور واحد؛ خداوند تبارک و تعالی علی را از نور من و مرا از نور خودش خلق کرد و هر دوی ما از یک نور هستیم.»^۷

این روایت به خوبی میزان همبستگی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را نشان می‌دهد، لذا طبیعی است که بعد از تولد علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله نهایت کوشش خود را جهت ارتباط بیشتر با

علی علیه السلام صرف کنند.

براساس منابع تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله تا سه سالگی علی، در خانه ابوطالب بود.^۸ پس از آن به منزل خدیجه علیها السلام رفت. در طول این مدت پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در تربیت علی علیه السلام می‌کوشید و با او پیوند داشت، لذا هنگامی که مادر حضرت علی علیه السلام نوزادش را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله از او خواست، گهواره علیه السلام علی را کنار رختخوابش قرار دهد، حضرت گهواره علیه السلام علی علیه السلام را تکان می‌داد؛ به او غذا می‌داد؛ علی علیه السلام را بغل می‌گرفت و می‌فرمود: «این کودک برادر و در آینده ولی، یاور، وصی و همسر دختر من خواهد بود.»^۹

حضرت علی علیه السلام بعدها این توجه خاص پیامبر صلی الله علیه و آله را این گونه توضیح داده است: «وقد علمتم موضعی من رسول الله صلی الله علیه و آله بالقرابة القریبة و المنزلة الخیصصة و ضعنی فی حجره و انا ولید یضمنی الی صدره و یکنفنی فی فراشه و یمسنی جسده و یسمنی عرفه و کان یمضغ الشیء ثم یلقننی؛^{۱۰} شما از خویشاوندی نزدیک من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و مقام مخصوصی که نزد او داشتم، مطلع هستید. مرا در کنار خود قرار می‌داد، هنگامی که نوزاد بودم، مرا





به سینه خود می‌گرفت و در کنار بستر خود مرا حمایت می‌کرد و دست بر بدنم می‌کشید و بوی خوش خود را به مشامم می‌رساند. او غذا را می‌جوید و سپس در دهان من می‌گذاشت.»

علی در خانه خدیجه

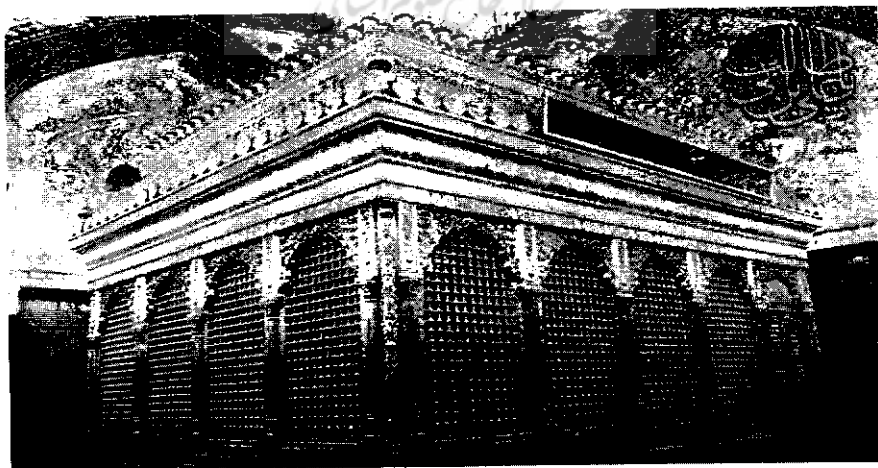
طبیعی بود که این عشق و علاقه محمد ﷺ به علی که از خواستگاری الهی و منبعث از پیوستگی حقیقی آن حضرت به امیر مؤمنان بود، او را وادار می‌کرد به نحوی علی را بیشتر با خود همراه سازد و او را با تربیت الهی خود تربیت کند. لذا می‌بینیم خود حضرت پیشنهادی به ابوطالب می‌دهد و علی را به خانه‌اش می‌آورد و حضرت خدیجه با علی آشنا می‌شود.

□ دوران قبل از بعثت

علی در خانه خدیجه رشد و نمو

می‌یابد و خدیجه مانند مادری مهربان به وی می‌نگرد. بیشترین لحظات عمر علی در این دوره نیز با پیامبر ﷺ سپری می‌شود. هر چند در خانه خدیجه است ولی پیامبر ﷺ چون قصد دارد بر او در تمام مراحل نظارت کند، توجه ویژه‌ای به او می‌کند، خصوصاً در دوره‌های طولانی اعتکاف در غار حرا و... لذا امام ﷺ خود می‌فرمود: «و لقد كنت أتبعه اتباع الفصيل اثر امه يرفع لي كل يوم من اخلاقه علما و يامرني بالاعتداء به؛^{۱۱} من مانند بچه ناقه‌ای که دنبال مادر می‌رود، در پی پیامبر ﷺ می‌رفتم، هر روز از اخلاق خود نکته‌ای به من می‌آموخت و دستور می‌داد از آن پیروی کنم.»

آری! به تعبیر ابن ابی الحدید: «علی آن چنان با پیامبر همراه بود که هر وقت



پیامبر ﷺ از شهر خارج می‌شد و به غار حرا می‌رفت، او را نیز با خود می‌برد.^{۱۲} البته حضرت علی رضی الله عنه در این دوره برای تهیه غذا به منزل بر می‌گشت و از خدیجه رضی الله عنها غذای لازم را برای پیامبر ﷺ می‌گرفت و به حضرت می‌رساند. همچنین اگر لازم بود، خبری به خدیجه رضی الله عنها یا پیامبر ﷺ رسانده شود، علی رضی الله عنه این کار را انجام می‌داد.

□ دوره بعثت

● رسالت غیر علنی

آن گونه که گفتیم، ارتباط پیامبر ﷺ با علی رضی الله عنه صرفاً یک ارتباط عاطفی یا خویشاوندی نبود، بلکه برآمده از پیوندی قدسی بود. از این روی، با این که علی رضی الله عنه هنوز کودکی چندین ساله است، زودتر از خدیجه رضی الله عنها ایمان می‌آورد و خدیجه رضی الله عنها بعد از وی به عنوان دومین نفر و اولین زن اسلام را می‌پذیرد. بر این اساس پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وَأُولَکُمْ وَاوَدَأُ عَلٰی الْحَوْضِ، وَأُولَکُمْ إِسْلَامًا، عَلٰی بَنِی طَالِبٍ...» نخستین کسی که بر حوض (کوثر) بر من وارد می‌شود، اولین کسی است که اسلام آورد. [یعنی] علی بن ابی طالب است.^{۱۳}

در روایتی دیگر امام علی رضی الله عنه نیز بر

این واقعیت تأکید می‌کند: «لقد صلیت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنین و انا اول من صلی معه؛^{۱۴} من هفت سال قبل از مردم با رسول خدا نماز گزاردم و من اولین کسی هستم که با او نماز گزاردم.»

بعد از حضرت علی رضی الله عنه، خدیجه رضی الله عنها نیز ایمان می‌آورد و به این ترتیب خانواده سه نفری رسول خدا ﷺ همه مؤمن به دین او می‌شوند.

● شرح یک اشتباه

متأسفانه با وجود روایات متعدد و قراین واضح، عده‌ای کوشیده‌اند نه به خاطر خدیجه رضی الله عنها که به خاطر دشمنی با علی رضی الله عنه سابقه وی در اسلام را مخدوش کنند. لذا ایمان خدیجه را بر او مقدم می‌دارند. از جمله، درباره ایمان آوردن علی رضی الله عنه می‌گویند: وقتی علی رضی الله عنه بر پیامبر ﷺ وارد شد که خدیجه با پیامبر مشغول نماز بود، علی پرسید این عمل چیست؟...^{۱۵}

اما با توجه به این که شیعه و سنی گفتار امیرالمؤمنین را قبول دارند، شیعه به خاطر عصمت امام و اهل سنت به خاطر این که صحابه را عادل می‌دانند و علی رضی الله عنه را از صحابه می‌دانند، می‌توان این شبهه را با توجه به سخن خود





النسوة؛^{۱۷} خانه‌ای واحد در آن روز در اسلام جمع نشد غیر از رسول خدا ﷺ و خدیجه رضی الله عنها و من سومین آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم.» در هر صورت علی رضی الله عنه و خدیجه رضی الله عنها با پیامبر صلی الله علیه و آله اولین جامعه اسلامی را تشکیل دادند و در دوره دعوت غیر علنی به اجرای مراسم عبادی و نماز می‌پرداختند.

در دوره‌ای که هنوز غیر این سه نفر کسی مسلمان نشده بود، خدیجه و علی به یاری محمد می‌شتابند و نه تنها در منزل یا کوه حراء که در کنار مسجد الحرام و کعبه و در منظر و مرعی کفار نماز می‌خوانند و حضور اولین جامعه کوچک اسلامی را به مسافران و مقیمان اطلاع می‌دهند. این ارتباطها همچنان ادامه داشت تا آن که نوبت به خطیرترین مرحله رسالت رسید.

□ اعلام عمومی رسالت

این مرحله، سخت‌ترین و گاه دردناک‌ترین مراحل برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده اوست. در این دوره، خصوصاً سال‌های آغازین آن، خدیجه و علی به شدت تحت فشار قرار داشتند و گاه خطر کشته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز

امیر مؤمنان رضی الله عنه رد کرد، آن جا که می‌فرماید: «كنتُ أسمع الصوت و ابصر الضوء سنين سبعاً و رسول الله صلی الله علیه و آله حيثُ صامت ما اذن له في الانذار والتبليغ؛^{۱۶} من هفت سال صدا را می‌شنیدم و نور را می‌دیدم و پیامبر در آن روز ساکت بود و اجازه انذار و تبليغ به او داده نشده بود.» و در روایتی نیز پیش از این خواندید که حضرت تصریح کرد هفت سال قبل از دیگران با پیامبر نماز می‌خواند.

در روایتی دیگر امام از ایمان خدیجه رضی الله عنها چنین یاد می‌کند: «لم يجمع بيت واحد يومئذ في الاسلام غير رسول الله و خدیجه و انا ثالثهم اری نور الوحي و الرسالة و اشم ريح

مشاهده می‌کردند. یکی از حوادث این دوره که در راستای حمایت خدیجه و علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله قابل مطالعه است، موضوعی است که مسلم و بخاری در صحیح خود نقل می‌کنند.

«در ایام حج روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند به مردم خطاب کرد: «ای مردم! من رسول پروردگار هستم.» آن گاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را با صدای بلند به گوش مردم رساند. اما جاهلان عرب هر یک سنگی برداشته و در پی حضرت روان شدند. ابوجهل نیز سنگی برداشت و روان شد. او سنگ را چنان پرتاب کرد که به پیشانی حضرت خورد. خون بر صورت رسول خدا جاری شد. پیامبر به کوه ابوقبیس (متکی) رفت و مشرکان نیز در پی او روان شدند. در این بین شخصی خود را به نزد علی علیه السلام رساند و گفت: «پیامبر را کشتند.» حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه رساند و او را از این خبر وحشتناک مطلع کرد. خدیجه نیز به شدت غمگین و منقلب شد چنان که نتوانست بر خود مسلط شود و اشک بر گونه‌هایش جاری گشت.»^{۱۸}

به این ترتیب هر دو برای رساندن

خود به پیامبر صلی الله علیه و آله همه جا را جست‌وجو کردند، در این هنگام جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه، ملائکه به گریه در آمدند. او را بخواه و سلام به او برسان و بگو، خدا به تو سلام می‌رساند و او را به خانه‌ای در بهشت که از نور زینت شده است، بشارت ده.»

علی و خدیجه که همچنان در پی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سر انجام آن حضرت را با صورتی خونین یافتند و به خانه آوردند. اما قریش که مطلع شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله با کمک علی و خدیجه به خانه منتقل شده، در پی آن‌ها روانه شدند، خود را به خانه خدیجه رساندند و شروع به سنگ پرانی به خانه کردند. خدیجه علیها السلام ناچار از خانه بیرون آمد و فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید که خانه زنی را که نجیب‌ترین قوم شماست، سنگ باران می‌کنید. آیا از خدا نمی‌ترسید؟»

در پی این سخنان بود که مردم پراکنده شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در این هنگام پیام جبرئیل را به وی رساند. و خدیجه علیها السلام در جواب گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل و السلام و علیک یا رسول الله السلام و رحمة الله و برکاته و علی من سمع





السلام الا الشيطان».^{۱۹}

□ تحریم همه جانبه

سران قریش در نخستین شب از سال هفتم بعثت تصمیم گرفتند مسلمانان را تحت فشار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دهند. لذا پیمان نامه‌ای نوشتند و هر نوع معامله‌ای را با مسلمانان تحریم کردند. ابوطالب با درک میزان خطر، مسلمانان را از شهر خارج و در دره‌ای جمع آوری کرد.

دره‌ای که سه سال پذیرای مسلمانان شد. در این رویداد بزرگ نیز هم حضرت خدیجه علیها السلام و هم حضرت علی علیه السلام حاضر بودند و اصولاً فشارهای ناشی از تحمل گرسنگی و سختی این دوره را می‌توان در رحلت خدیجه علیها السلام مؤثر دانست. البته خدیجه علیها السلام از طرق مختلف به تأمین نیازهای مسلمانان همت می‌گمارد که از جمله ابوالعاص بن ربیع داماد حضرت خدیجه علیها السلام شترها را می‌آورد؛ بار گندم و خرما بر آنها می‌نهاد و به مسلمانان می‌رساند.^{۲۰}

ابن هشام از جمله کسانی است که به حضور خدیجه علیها السلام در شعب اشاره کرده است. «و قد کان ابو جهل بن هشام فیما یذکرون لقی حکیم بن حزام بن خویلد ابن اسد معه غلام یحمل.... یرید به

عمته خدیجه بنت خویلد و هی عند رسول الله و معه فی الشعب فتعلق به فقال: اذهب بالطعام؛^{۲۱} ابو جهل، حکیم بن حزام بن خویلد بن اسد را با غلامش که مواد غذایی حمل می‌کرد و قصد داشت نزد عمه‌اش، خدیجه علیها السلام برود، دید. خدیجه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و با او در شعب بود. ابو جهل با او گلاویز شد و گفت: آیا غذا می‌بری؟»

□ بیعت با علی علیه السلام

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه علیها السلام مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و امامت اولاد امیرمؤمنان علیه السلام است با این که در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود، چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و خوب می‌یافت. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از امامت ائمه اطهار - که از نسل فرزندش فاطمه هستند - شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان علیه السلام را می‌دانست.

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشانند و فرمود: «این جبرئیل است که می‌گوید، اسلام شروطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند. دوم، اقرار به

رسالت رسولان. سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آن‌ها.»

در پی این فرمایش پیامبر ﷺ خدیجه رضی الله عنها به همه آن‌ها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. در مورد امیر مؤمنان علی رضی الله عنه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خصوص به خدیجه رضی الله عنها فرمود: «هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آن‌ها پس از من است.»

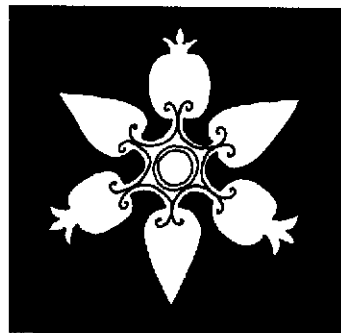
رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه رضی الله عنها گرفت، اصول و فروع، واجبات و محرمات را به وی آموخت. آن گاه، دست خود را بالای دست امیر مؤمنان رضی الله عنه گذاشت و خدیجه رضی الله عنها دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و به این صورت بیعت کرد.

از حدیث «ما کمل من النساء الا اربعة آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد» هم ظاهر می‌شود که آن بانوی بزرگوار به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد.^{۲۲}

□ علی رضی الله عنه داماد خدیجه رضی الله عنها

حضرت خدیجه رضی الله عنها ۲۴ سال زندگی پر فراز و نشیب خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله را پشت سر گذاشت و پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان بشارت به وی وعده بهشت داد. بعد از وفات، خود وارد قبر او شد و برایش گریست.^{۲۳} فاطمه رضی الله عنها تنها باز مانده خدیجه رضی الله عنها در این لحظات سخت دور پدر می‌چرخید و بهانه مادر را می‌گرفت و این بر ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله بی اندازه می‌افزود تا آن که جبرئیل نازل شد و فرمود: «ای پیامبر! به فاطمه بگو خدا برای مادرت قصری از لؤلؤ ساخته است که میان آن نهر است و در آن جارنجبی نیست.»^{۲۴}

آری خدیجه رضی الله عنها سر انجام سه سال قبل از هجرت در ماه رمضان^{۲۵} وفات یافت، اما تقدیر چنین بود که این بار دختر و پاره تن خدیجه مأموریت همراهی علی در مسیر پیروی و یاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله را عهده دار شود. امری





که بعدها موجب فخر و مباهات ائمه علیهم السلام بود و آنان به این که فرزند خدیجه نامیده شوند، افتخار می کردند. مانند آنچه در زیارت امام زین العابدین، از امام صادق علیه السلام می فرماید: «السلام علیک یابن رسول الله... السلام علیک یابن علی بن ابی طالب. السلام علیک یابن الحسن و الحسین. السلام علیک یا بن خدیجة و فاطمة».^{۲۶}

□ به یاد خدیجه

امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از وفات حضرت خدیجه علیها السلام به مناسبت از وی یاد می کرد و نامش را گرامی می داشت. از جمله، یک بار به دفاع پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه اشاره کرده و این قضیه را نقل کردند: «ذکر النبی صلی الله علیه و آله خدیجة یوماً و هو عند نسائه فبکی فقالت عایشه ما بیکیک علی عجز حمراء من عجائز بنی اسد؟ فقال: صدقتنی اذ کذبتم و آمنت بی اذ کفرتم و ولدت لی اذ عقمتم. قالت عایشه فما زلت اتقرب الی رسول الله صلی الله علیه و آله بذكرها؛^{۲۷} یک روز که پیامبر خدا در میان همسران خویش حضور داشت، یادی از همسرش خدیجه نمود و به فراق او گریست عایشه گفت: بر پیرزن سرخ زوی از تیره بنی اسد می گویی؟ رسول خدا فرمود: «[چه

کسی جای خدیجه را می گیرد] روزی که شما مرا تکذیب کردید، مرا تصدیق کرد. روزی که کفر ورزیدید به من ایمان آورد و هنگامی که شما نازا بودید او برایم فرزند آورد.

عایشه گفت از آن پس همواره خودم را با بیان خوبی های خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک می کردم.»

□ آخرین مال

اموال حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. جالب این که آخرین بخش از دارایی خدیجه توسط امیر مؤمنان در سفر هجرت به مدینه صرف شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه شبانه روز در غار ثور ماند، امیر مؤمنان نیز شبانه خود را به غار رساند و آذوقه و لوازم سفر را آورد. در آن جا حضرت به علی علیه السلام فرمود: «امانت های زیادی نزد من است، به بالای ابطح (تپه ای در مکه) برو و صبح و شب با صدای بلند بگو: هر کسی نزد محمد امانت و یا ودیعه ای دارد بیاید و تحویل بگیرد. یا علی! بعد از این با هیچ حادثه ای ناگوار مواجه نخواهی شد تا این که نزد من برسی. امانت های مردم را آشکارا تحویل بده. ای علی! تو را



خرید زاد و توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند.

سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه ممکن شد. آخرین آن‌ها هم قافله‌ای بود که امیر المؤمنین آن را سرپرستی کرد.^{۲۸}

□ یک نکته

شهید مطهری رحمته الله علیه به نکته‌ای اساسی در (اموال خدیجه و شمشیر علی) اشاره دارد که آگاهی از آن جهت روشن شدن ذهن مخاطبان ضروری است. زیرا وقتی گفته می‌شود اسلام با مال خدیجه و شمشیر علی پیش رفت، چنین به نظر می‌رسد که دین اسلام با همان زر و زور پیش رفته است.

شهید پاسخ مناسبی به این شبهه می‌دهد و می‌نویسد: «اگر دینی با زور پیش برود، آن چه دینی می‌تواند باشد؟ آیا قرآن در یک جا دارد که دین اسلام با زر و زور

سرپرست دخترم فاطمه قرار دادم و خدا را مراقب شما.

از آخرین باقی‌مانده اموال خدیجه برای خود و فاطمه و هر کس از بنی هاشم که قصد همراهی با شما را دارد، شتر و زاد و توشه بخر و بعد از رد امانت‌ها، دیگر درنگ نکن...»

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می‌گوید: «فرزند ابی رافع این مطالب را به نقل از پدرش گفت. من پرسیدم: مگر رسول خدا مال و ثروتی قابل توجه داشت که دو شتر برای سفر خودش خرید و به امیر مؤمنان هم سفارش کرد زاد و توشه دیگر مهاجران را تهیه کند؟

ابی رافع پاسخ داد: پدرم گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مال و ثروتی برای من سودمندتر از اموال خدیجه نبود. ابی رافع افزود: پدرم گفت: از آخرین موارد مصرف اموال خدیجه



پیش رفت؟ آیا علی علیه السلام یک جاگفت که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ شک [ی وجود] ندارد که مال خدیجه به درد مسلمین خورد اما آیا مال خدیجه صرف دعوت اسلام شد؟ یعنی خدیجه پول زیادی داشت پول خدیجه را به کسی دادند و گفتند بیا مسلمان شو؟ آیا یک جا انسان در تاریخ چنین چیزی پیدا می‌کند؟ یا نه، در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم در نهایت درجهٔ سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه علیها السلام مال و ثروت خودش را در اختیار پیامبر گذاشت، ولی نه برای این که پیامبر - العیاذ باللہ - به کسی رشوه بدهد و تاریخ نیز هیچ گاه چنین چیزی را نشان نمی‌دهد... پس اگر مال خدیجه نبود، فقر و تنگدستی شاید مسلمین را از پا در می‌آورد، مال خدیجه خدمت کرد، اما نه خدمت رشوه دادن... بلکه خدمت به این معنی که مسلمانان گرسنه را نجات داد. شمشیر علی بدون شک به اسلام خدمت کرد... در شرایطی که شمشیر دشمن آمده بود، ریشهٔ اسلام را بکند.»^{۲۹}

پی‌نوشت‌ها:

- ۵- دربارهٔ سال ازدواج تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۴.
- سیرهٔ حلبی، ج ۱، ص ۴۰، مشهور ۴۰ سالگی است.
- ۶- الفصول المهمه، ص ۲۹.
- ۷- کفایة الطالب، ص ۲۰۶.
- ۸- امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، صادق صدر، ص ۵۹.
- ۹- فروغ ولایت، ص ۱۷، به نقل از کشف الغمہ، ج ۱، ص ۹۰.
- ۱۰- نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲، خطبةٔ قاصعه.
- ۱۱- نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲.
- ۱۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۸.
- ۱۳- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۳۶-ج ۳ الغدیر، ص ۱۹۱ تا ۲۱۳ را بخوانید.
- ۱۴- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۳.
- ۱۵- امیرالمؤمنین در عهد پیامبر، محمد صادق صدر، ترجمهٔ دکتر سید جمال موسوی، ص ۸۹، نقل از سیرهٔ سید احمد زینی بن دحلل، ص ۱۰۴.
- ۱۶- نهج البلاغه، خطبةٔ قاصعه.
- ۱۷- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷.
- ۱۸- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۸.
- ۱۹- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۱۸۵؛ سبط جوزی، در تذکرة الخواص، ص ۱۷۰؛ استیعاب، ج ۱۴، ص ۱۱۱.
- ۲۰- سیرهٔ ابن هشام، ج ۲، ص ۱۰۳، ۳۵۳، ۳۵۴.
- ۲۱- همان، ج ۲، ص ۱۰۳.
- ۲۲- ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹، نقل از بحار الانوار، ج ۶.
- ۲۳- اعلام النبلا، ج ۲، ص ۱۱۱، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۹۳.
- ۲۴- نهایة الارب، ج ۱۸، ص ۱۷۱.
- ۲۵- استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۸۲؛ مقاتل الطالبین، ص ۱۳۰.
- ۲۶- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۶.
- ۲۷- کشف الغمہ، ج ۲، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۸.
- ۲۸- بحار، ج ۱۹، ص ۶۳.
- ۲۹- سیری در سیرهٔ نبوی، صص ۲۴۸-۲۴۵.

۱- تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲- ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳- اعلام النبلا، ج ۲، ص ۱۱۱. اسد الغابة، ج ۳، ص ۲۱.

۴- استیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷.